

## "حزب اله" یا "کدام کمونیستها!" و کدام "اعتبار"؟

(در رابطه با موضع ارتجاعی و خطرناک حزب "توفان" !)

### صبا راهی

اخیراً آقای فریدون منتقمی سطوری منتشر نموده که محتوی آن برای کسانی که احیاناً خط و خطوط سیاسی حزب توفان را در جنبش کمونیستی ایران دنبال میکنند ناآشنا نیست، در اصل به نظر بنده ایشان موضوع تازه ای را ارائه نداده است!

از این رو این نوشته قصد برخورد به نوشته آقای فریدون منتقمی که بسیار ناشیانه از روی حقایق تاریخی پرشی "غیابی" میکند، بطور مثال در یکی از "تحلیل" های شان ایشان بعنوان " دبیر فرهنگی سابق کنفدراسیون محصلین و دانشجویان!!!) در رابطه با مبارزات مردم در ایران از انقلاب مشروطه تا کنون، به انقلاب بهمن 57 اشاره دارد که " مردم به خیابانها ریختند... اما در آن " تحلیل منصفانه و صادقانه" از کمونیست های پیشگام انقلاب یعنی چریکهای فدایی خلق و سازمان مجاهدین خلق که خواب را از چشم امپریالیسم و شاه سگ زنجیری شان ربوده بودند ندارد! که اگر نخواهیم اسم این رفتار ایشان را تنگ نظری سیاسی بگذاریم، حذف آگاهانه بخشی از تاریخ مبارزاتی عنوان شایسته ای برای این رفتار سیاسی "دبیر فرهنگی سابق کنفدراسیون...." میباشد! کسانی میتوانند " دلسوز" مردم و به ویژه طبقه کارگر و محروم ایران باشند که تاریخ را آنگونه که بوده و هست بیان کنند و نه آنگونه که ارتجاع میخواهد!

اما اجازه دهید به اصل مطلب، موضع ارتجاعی و خطرناک حزب توفان، که آقای منتقمی هم به نوعی از آن دفاع میکند برگردیم.. این قضیه برمیکردد به سال 1386 که در آنزمان که امپریالیستها توسط چماق صهیونیستی خود به لبنان حمله کردند. در آنزمان حزب توفان در تاریخ پنجم مرداد 1386 در یک مقاله (1) تحت عنوان بمباران بربرمنشانه به کشور مستقل لبنان ادامه دارد! در لینک مقابل <http://toufan.org/243.pdf> "حزب اله لبنان را نماینده واقعی مردم لبنان" معرفی میکند!

اما چندی بعد در مقاله جدیدی (2) تحت عنوان میهن پرستی کمونیستی و "میهن پرستی" امپریالیستی در این لینک [http //www. irani ra . com/ toufan88- m lan. ht ml](http://www. irani ra . com/ toufan88- m lan. ht ml) "حزب توفان صحبتی از "حزب اله" لبنان نمیکند و در عوض در مقام مقایسه دو حزب کمونیست عراق و لبنان چنین تحلیلی را در مورد حمله امپریالیستها به لبنان توسط "چماق" صهیونیست ها ارائه میدهد: " در مقابل آنها حزب کمونیست لبنان قرار دارد که در مقابل تجاوز وحشیانه صهیونیستها ایستادگی کرد و تعدادی از اعضایش برای دفاع از میهن جانباختند ولی احترام مردم لبنان را بدست آورد و امروز با سربلندی توانسته اند بسیاری از اعضاء جدید به حزب خویش جلب کنند. این حزب به جریانی زنده در لبنان بدل شده است."

وقتی دو مقاله حزب توفان را میخوانی و سطر بالا را به مقاله شماره (1) مقایسه میکنید سوالی پیش روی دارید که چطور شده بکاره حزب کمونیست لبنان در مقاله شماره (2) پیدا شد و در زمان حمله به لبنان خبری از آن نبود و به نظر حزب توفان این "حزب اله" بود که داشت از محرومان لبنان دفاع میکرد! همان محرومانی که به دلیل نداشتن وسایل نقلیه و سایر امکانات از این قبیل که این " حزب اله" باید برایشان فراهم میآورد برجا مانده بودند و کشته میشدند! حزب اله از حمله بمب ها به محرومان خبر نمیداد و خود زودتر از همه محل را ترک میکرد و این محرومان ، کودکان و کارگران، 24 کارگر در یک مزرعه مشغول کار بودند، کشته شدند! نه خونی از دفاع حزب اله اسرایلی ریخته میشد و نه خونی از دماغ حزب اله لبنان! که هر دو در راستای یک برنامه تنظیم شده برای سرکوب بیشتر

مبارزات واقعی مردم و نیز تقسیم جغرافیای جدید خاورمیانه دوش به دوش امپریالیستها محرومان را می‌کشند تا به مقاصد پلید خود برسند!

ضمن اینکه این تحلیل حزب توفان بسیار متناقض با تحلیلی است که در مقاله شماره (1) ارائه می‌دهد، **شفاف** هم به خواننده نمی‌گوید که بالاخره حزب توفان، کمونیست‌ها را نماینده واقعی محرومان میداند یا "حزب اله لبنان" را؟ و آیا این کمونیستها چه نوع کمونیست‌هایی هستند؟

به عبارتی دیگر آیا حزب اله لبنان را "کمونیست" میدانند؟ کمونیست‌هایی مثل "اکثریت و حزب توده خائن" که به دلیل **ماهیت کثیف شان شانه به شانه حزب اله ایران، محرومان را سرکوب می‌کردند** و کسانی را هم که از حقوق محرومان ایران دفاع میکردند به تیغ جلادان رژیم می‌سپردند و از خمینی جلاد میخواستند که سپاه را به سلاح سنگین مجهز کند؟

"حزب اله" یکی از بنیادگرایان دنیا که ساخته و پرداخته امپریالیست‌ها میباشد، عملاً در ایران هم نشان داده است که در راستای اهداف امپریالیستم محرومان را سرکوب (حمله رژیم جنایتکار به کردستان برای سرکوب خلق کرد)، سرکوب خلق ترک در رویدادهای سال 1385، سرکوب مبارزین واقعی راه انقلاب (**قتل عام زندانیان سیاسی در دهه شصت به فرما خمینی جلاد**)، ایجاد اختناق و سانسور در کشور، توسعه مالکیت خصوصی، و سلب هر گونه آزادی‌های اجتماعی با برخی از خصوصیات حزب اله ایران به رهبری خمینی جلاد که همه از آن مطلع هستیم و هر کدام از ما هم شاید که عزیزی را به فرمان این جلاد قرن از دست داده باشیم.

بطور خلاصه، رژیم موجود در ایران (حزب اله) با تمام جناح و دسته بندی‌هایش را تحت هیچ عنوانی و تحت هیچ شرایطی و تحت هیچ "بهانه" بی‌نمی‌توان نماینده مبارزه ملی مردم ایران دانست، هیچ نیرویی مردمی، چنین تصویر خطرناکی را به توده‌ها و بخصوص توده‌های محروم نمیدهد، تصویر "اعتماد" دوباره به این رژیم سراپا جنایت و سرکوب و غارتگر دسترنج زحمتکش‌شان در اصل کمک مجدد به منافع و اهداف پلید امپریالیسم است! دادن چنین تصویر خطرناک که چیزی جز فریب توده‌ها نیست تکرار همان موضع خائنین به خلق و محرومان در بدو به قدرت رسیدن حزب اله ایران به رهبری خمینی جلاد، یعنی حزب توده و اکثریت خائن و منفور است!

چند سال پیش وقتی سطور بالا را، دریک گروه ایمیلی بنام ماهی سیاه کوچولو، [http://groups.yahoo.com/group/Mahi\\_Siah\\_Kocholo/](http://groups.yahoo.com/group/Mahi_Siah_Kocholo/)، برای هوادار حزب توفان بابک خوبان که عضو آن گروه ایمیلی بود و تاریخ حزب توفان و مقالات و اطلاعاتی‌های حزبی را در آن گروه پخش میکرد و اگر سوالی پیش می‌آمد از دیدگاه‌های حزبی توفان دفاع میکرد، نوشتم و از ایشان پرسیدم: "آیا موضعی که حزب شما (حزب توفان) برای مقابله با تجاوز امپریالیست‌ها اتخاذ و تبلیغ میکند این است که مردم شانه به شانه این حزب اله (رژیم) سراپا جنایتکار بچنگند؟"

یا اینکه نه! هر نیروی مردمی ابتدا بررسی ماهیت رژیم را در دستور کار خود برای شناخت به توده‌ها می‌گذارد و با موضع درست نسبت به ماهیت رژیم با تمام دسته و بندی و جناح‌هایش، به مردم و به ویژه طبقه کارگر و زحمتکش می‌گوید برای نابودی رژیم از این میدان استفاده کنند، پادگانها را تسخیر کنند، اسلحه‌ها را مصادره، رژیم را نابود و با سلاح‌هایی که در دست دارند با ارتش متجاوزگر بچنگند؟"

هوادار حزب توفان بابک خوبان در پاسخ به سوال بنده نوشت: "اگر این نوشته نتونسته شما را قانع کنه، اجازه بده که من اونو برای شما تفسیر کنم. قضیه از این قراره که حزب توفان تصور نمیکند که اوضاع ایران با عراق فرقی داشته باشه. آمریکا با متحدانش به ایران حمله میکنند (البته اگر بکنن)، دولت ایران را در عرض دو هفته از هم میپاشونن. تازه جنگ شروع میشه. جریانهای مختلف با تشکیل نیروهای پارتیزانی به جنگ تجاوزگران میرن. حزب توفان هوادار تشکیل جبهه‌ای از تمام نیروهای ضد امپریالیست است. این کاملاً در این مقاله مستتر است. حزب توفان بر این اعتقاد است که کمونیستها با حفظ استقلال سیاسی و ایدئولوژیکی خودشون باید در این جبهه شرکت کنند. در این جبهه تمامی

طبقاتی که میخوان بر علیه امپریالیسم مبارزه کنن شرکت میکنند. در این جبهه است که استقلال برای کمونیستها معنی پیدا میکنه. حالا اگر منظور شما اینه که از حزب توفان اعتراف بگیرید که با حزب الله همکاری میکنه، من صد در صد به شما میگم که بله. اگر حزب الله بخواد که با کمونیستها در جبهه ای واحد و با احترام به مواضع مستقل حزب توفان با امپریالیستها بجنگد، بله حاضر است. اگر هم حزب الله نخواد، مسلماً با صف مستقل خودش میخواد بجنگه. اون هم از نظر حزب توفان مورد پشتیبانی قرار میگیره، چرا که در آنزمان، حل تضاد کار و سرمایه در گرو حل مسئله ملیست. در آن مقطع حل مسئله ملی در صدر تمامی برنامه ها قرار میگیره. ما مشکلاتمون را با حزب الله به صورتی شخصی حل میکنیم و این ارتباطی به امپریالیستها نداره."

امروز یعنی پس از گذشت 32 سال از عمر جنایتکارانه رژیم حزب اله وابسته به امپریالیسم در ایران و پس از گذشت چهار سال از موضع بشدت ارتجاعی و خطرناک حزب توفان در مورد حزب اله لبنان، حزب توفان به این سوال ساده پاسخ نمیدهد که چطور حزب الهی که "جدش" در ایران آنهمه جنایت که در بالا برشمرده شد مرتکب میشود، که اساساً رژیم حزب اله در ایران یک رژیم سراپا ضدکارگر و ضدمحرومان است، و سیاست های داخلی و خارجی آن دقیقاً منطبق بر سیاست های جنایتکارانه امپریالیستها میباشد، چگونه میتواند "دلسوز" مردم مبارزه کشور "مستقل" لبنان باشد؟ سیاست های "مستقل" رژیم حزب اله در ایران که منطبق با سیاست های جنایتکارانه امپریالیستها میباشد، همان سیاست ها، جنایاتی ست که رژیم در حق خلق کرد و ترک و زندانیان سیاسی و ... اعمال داشت. و سیاست های خارجی آنهم "ایجاد تشنج" در منطقه، کمک به نیروهای "المهدی" دست ساز امپریالیسم انگلیس در عراق "برای عملیات" تروریستی و کشتن سنی ها، و از همه مهمتر فریبکارانه با "امپریالیستها" عناد کردن بر سر ساخت "سلاح های اتمی"! درست مثل شعار "مرگ بر استکبار جهانی" خمینی، در حالی که تمام سیاست های "استکبار" را در ایران پیاده میکرد!

مگر میشود در این جهان که کارتل های نفتی و اسلحه سازی و شرکایشان برای تعیین جغرافیای "جدید غارت و سلطه گری" با نفوذ از طریق سی آی ای مخوف شان که این روزها هزینه آن و گل و گشادی آن صدای حتی برخی از سناتورهای آمریکایی را نیز درآورده است!!!!، در بین مبارزات مردمی انقلاب های واقعی را منحرف میکنند و توسط همین نیروهای دست ساز خود یعنی القاعده "انقلاب های سارکوزی، کامرون، اوپاما" را راه میاندازند، مردم را از گوسفند هم حیوانی تر سر می برند و بعد هم هنوز "انقلاب شان" تمام نشده، بدو بدو به لیبی میروند و "زنده باد لیبی زنده باد فرانسه" راه میاندازند کشوری می تواند "کمی مستقل سیاسی" باشد؟ مگر آنکه سیاست هایش بر سیاست های امپریالیستها منطبق باشد!

آیا مطرح کردن "حزب اله ایران کمی مستقل سیاسی" ست، از طرف حزب توفان، همانند آن شعاری نیست که اکثریتی های خائن در ابتدای انقلاب 57 برای "خوش خدمتی به حزب اله به رهبری خمینی جلاد و کمک به رفع بحران اقتصادی امپریالیستها نظرات لنین آموزگار دلسوز پرولتاریا را که در مقاله ی ابتکار عظیم، شنبه های کمونیستی را- **آغاز انقلابی دشوار برای سرنگون ساختن بورژازی...** الگو قرار میدهد، را به سرقت برد و برای کمک به رژیم حزب اله وابسته به امپریالیسم استفاده میکردند که "کارگران برای تو دهنی زدن به امپریالیستها باید بیش از 8 ساعت کار کنند" و حزب اله ایران را به دلیل شعار مردم فریب "مرگ بر استکبار جهانی" ضدامپریالیستی ارزیابی میکرد تا هر چه بیشتر به فریب توده ها به ویژه کارگران و زحمتکشانشان خدمت کند! آیا بورژازی در ایران سرنگون شد؟

از آنجاییکه امروز آقای فریدون منتقمی نظرات حزب توفان را با شکل و شمایل دیگر اما در مفهوم یکی بیان میکند و مینویسد: اگر حماس از ایران پول می گیرد، اگر حزب اله از ایران پول می گیرد.... چون این کمکها به آنها اعتبار می داد و نه بی اعتباری! باید از ایشان نیز پرسید کدام اعتبار؟ آیا حزب اله ایران که فریدون منتقمی در نوشته اش بسیار آگاهانه از آن تحت عنوان "ایران" استفاده میکند تا حس "میهن دوستی را در راستای منافع حزب اله تامین کند"، رژیم معتبری

ست و ما نمیدانستیم؟ آیا کمک گرفتن از حزب اله ایران به کسی "اعتباری" جز تروریستی و خدمت به بورژوازی میدهد؟ مگر کارنامه سیاه و جنایتکار حزب اله ایران به رهبر خمینی جلاد و تمام جناح های رژیم این کار نامه را جلوی چشم و عقل ما نمیگذارد؟

به همین لحاظ بود که ترجیح دادم مستقیم به سراغ مواضع بغایت ارتجاعی و بغایت خطرناک حزب توفان در دو مقاله آن در لینک های بالا، بروم تا ذهن خواننده " میهن پرست " ی را که ناآگاهانه ممکن است فریب تبلیغات چنین نظرات ارتجاعی " میهن پرستانه" که تنها در جهت منافع بورژوازی است بخورد روشن گردد!

اینکه برخی از سازمانها فریب امپریالیستهای رباکار را خورده اند بحث درستی است که نمی توان با سنگر گرفتن در پشت موضع دفاع از " حزب اله و حماس" آن را "ضدمهین پرستانه" جلوه داد!

در پایان باز هم تاکید میشود که رژیم موجود در ایران (حزب اله) با تمام جناح و دسته بندی هایش را تحت هیچ عنوانی و تحت هیچ شرایطی و تحت هیچ " بهانه" یی نمی توان نماینده مبارزه ملی مردم ایران دانست، هیچ نیرویی مردمی، چنین تصویر خطرناکی را به توده ها و بخصوص توده های محروم نمیدهد، تصویری " اعتماد" دوباره به این رژیم سراپا جنایت و سرکوب و غارتگر دسترنج زحمتکشانش در اصل کمک مجدد به منافع و اهداف پلید امپریالیسم است! دادن چنین تصویر خطرناک که چیزی جز فریب توده ها نیست تکرار همان موضع خائنین به خلق و محرومان در بدو به قدرت رسیدن حزب اله ایران به رهبری خمینی جلاد، یعنی حزب توده و اکثریت خائن و منفور است!

## صبا راهی

بیست و پنجم دوهزار و یازده / پانزدهم شهریور ماه 1390

نوشته فریدون منتقمی در لینک زیر

<http://www.haftch.de/?p=22224>